

قواعد فقهی کاربردی در حقوق بیمه

سید روح اله مومنی حبیب آبادی^۱

چکیده :

امروزه اهمیت مسأله بیمه که در فقه اسلامی از جمله مسائل مستحدثه و نوظهور است در زندگی جوامع بشری و نقشی که بیمه در آسایش و آرامش زندگی افراد ایفا می کند بر کسی پوشیده نیست. از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران، قوانین می بایست بر اساس شرع مقدس اسلام تنظیم و نگارش و به تصویب برسد و این مهم در قانون اساسی بدان پرداخته شده و این وظیفه خطیر برعهده فقهای شورای نگهبان گذاشته شده و قوانین بیمه ای نیز از این امر مستثنی نیست، لذا دانستن مسائل فقهی بیمه برای قانونگذاران امری لازم است و این امر می بایست در کمیسیون های تخصصی فقهی مورد بررسی قرار بگیرد و از طرف دیگر قواعد فقهی برای فهم بهتر کاربرد زیادی دارد و دانستن این قواعد کمک قابل توجهی به حل مسائل در این موضوع و سایر موضوعات خواهد نمود. لذا در این پژوهش سعی شده تا برخی از قواعد فقهی که بیشترین کاربرد را در مسأله بیمه ، به ویژه بیمه های تجاری دارد مورد بررسی و تطبیق قرار گیرد.

کلید واژه ها: فقه - حقوق - بیمه - قواعد فقهی

مقدمه

۱- دانش آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

آنچه که ضرورت پرداختن به این موضوع را ایجاب می نماید اینکه ، از آنجا که مسأله بیمه امروزه در زندگی همه افراد جامعه دخیل بوده و همه اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه با این مسأله مهم و حیاتی سر و کار دارند و همچنین برای آشنا شدن به حق و حقوق خویش در این زمینه ، لازم است مبانی فقهی و اسلامی این مسأله را مطلع شوند. همانگونه که مولای متقیان حضرت علی علیه السلام فرمودند : الفقه ثم المتجر ابتدا شخص می باید احکام فقهی تجارت و معامله را بداند سپس به تجارت و معامله پردازد که عقد بیمه هم از این امر مستثنی نیست.

هدف از نگارش این پژوهش این است که اولاً قوه مقننه نسبت به فهم دقیق از مبانی اسلامی و فقهی بیمه اقدام نماید تا قوانین مطابق با دین مبین اسلام وضع شود و ثانیاً قوه مجریه و شرکت های بیمه با دانستن این مبانی فقهی در توجیه بیمه گذاران و پرداختن به حل و فصل پرونده های بیمه ای از هیچ کوششی دریغ ننمایند و ثالثاً قوه قضاییه در مواردی که مسأله ای مورد اختلاف واقع می شود بر اساس متون قانونی که مبتنی بر فقه است نسبت به حل و فصل قضیه اقدام نماید.

۱. تعریف قاعده فقهی :

تعاریف متعددی از قاعده فقهی توسط فقها و حقوقدانان مطرح شده است که در این میان به ذکر یک تعریف از بین فقها و حقوقدانان معاصر می پردازیم:

آیت اله مکارم شیرازی از مراجع تقلید معاصر، قاعده فقهی را اینگونه تعریف نموده اند : القواعد الفقهیه هی احکام عامه فقهیه تجری فی ابواب مختلفه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۶) یعنی قواعد فقهی احکامی کلی هستند که در ابواب گوناگون فقه به کار می روند.

همچنین مرحوم استاد محمود شهابی از اساتید برجسته حقوق معاصر در تعریف علمی و دقیق، قاعده فقهی را اینگونه بیان نموده است: قاعده فقهی قضیه ای است که حکم محمولی آن به فعل یا ذاتی خاص متعلق نباشد بلکه بسیاری از افعال یا ذوات متفرق را که عنوان حکم محمولی بر آنها صادق است، شامل باشد. خواه آن حکم محمولی حکم واقعی اولی باشد از قبیل قاعده ما یضمن ... یا حکم واقعی ثانوی باشد از قبیل قاعده لا ضرر و قاعده لا حرج که در همه ابواب فقه ممکن است مورد پیدا کند و اجرا شود، یا حکم ظاهری باشد از قبیل قاعده تجاوز و قاعده فراغ. (شهابی، ۱۳۴۱، ص ۹)

۲. فرق قاعده فقهی با مسأله فقهی و مسأله اصولی :

برای تبیین این موضوع نخست باید به تعریف هر یک از این عناوین پردازیم تا تفاوت آنها با یکدیگر مشخص شود:

قاعده فقهی: همانگونه که بیان شد عبارتست از حکم کلی فقهی که در ابواب گوناگون فقه به کار می رود مانند قاعده تلف مبیع پیش از قبض، لا ضرر و لا حرج.

مسأله فقهی: عبارت است از بیان حکم کاری که مکلف باید انجام دهد یا نباید انجام دهد و بیان برخی از موضوعات که جنبه عرفی ندارند، مثلاً در رساله های عملیه می خوانیم که پس از انعقاد عقد بیع، تسلیم ثمن و مبیع واجب، کم فروشی و غش در معاملات حرام و معامله با صغار باطل است.

مسأله اصولی: عبارتست از قاعده ای کلی که برای رفع نیاز فقیه در تشخیص تکالیف کلی مکلفان آماده و فراهم شده باشد. که این همان تعریف محقق قمی از اصول فقه می باشد که: علم اصول فقه عبارتست از دانستن

قواعدی که آماده شده برای استنباط احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آنها. (محقق قمی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰)

با بیان تعریف این عناوین در می یابیم که قواعد فقهی در فاصله میان دو علم فقه و اصول فقه قرار گرفته است.

۳. تعریف واژه بیمه :

در زبان انگلیسی با عنوان insurance به معنی اطمینان آمده است. لکن به نظر می رسد در زبان فارسی ریشه اصلی همان " بیم " است زیرا عامل اساسی انعقاد عقد بیمه ، ترس و گریز از خطر است و به سبب همین ترس و به منظور حصول اطمینان، عقد بیمه وقوع می یابد. (کریمی ، ۱۳۸۷ ، ص ۳۲)

۴. بررسی مسأله فقهی بیمه :

نخستین بحثی که در باب بیمه مطرح می شود، این است که آیا جزء یکی از عقود معهود در فقه است یا نه؟ ممکن است بگویید چه ضرورتی دارد که این بحث را مطرح کنیم. لکن این ضرورت از آن روست که هر عقدی احکام خاصی دارد و اگر بیمه الزاما جزء یکی از آن عقود باشد ، ناچار باید در همه خصوصیات و احکام از آن عقد پیروی کند. ولی اگر جزء هیچ یک از آن عقود نباشد، آزادی بیشتری دارد. پس از این جهت لازم است بررسی شود که آیا بیمه جزء یکی از عقود متعارف معمولی نظیر بیع ، اجاره و عاریه که در فقه مطرح است می باشد یا نه ؟ البته در عقود فوق که احتمالش نمی رود ولی چند احتمال وجود دارد که بیمه جزء یکی از آنها باشد و آن هبه ، ضمان و صلح است. اگر بیمه جزء یکی از آنها باشد، ناچار باید از مقررات خاص آنها هم پیروی کند.

بحث دیگر این است که اگر بیمه از همه عقود متعارف فقهی خارج بود، آیا می تواند درست باشد؟ اصولاً ما می توانیم معامله ای داشته باشیم که جزء هیچ یک از عقود و ایقاعاتی که در فقه مطرح است نباشد و در عین حال درست هم باشد، یا اینکه باید بگوییم اگر معامله ای داخل در یکی از این ابواب متعارف فقهی شده درست است و اگر داخل نشد من درآوردی می شود و در آن صورت قطعاً باطل است. (شهیدمطهری، ۱۳۶۱، ص ۱۲۱)

۵. تعریف عقد و عقد بیمه در قانون :

طبق قانون مدنی ایران، عقد عبارتست از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.

طبق قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶، بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

متعهد را "بیمه گر"، طرف تعهد را "بیمه گذار"، وجهی را که بیمه گذار به بیمه گر می پردازد "حق بیمه" و آنچه را که بیمه می شود "موضوع بیمه" می نامند.

۶. برخی قواعد فقهی کاربردی در حقوق بیمه :

نظر به اینکه طبق قانون اساسی، قوانین و مصوبات در جمهوری اسلامی ایران می بایست با مبانی شرعی و اسلامی مطابق باشد و مغایرتی نباشد، قوانین و مقررات بیمه ای نیز از این الزام مستثنی نبوده و از آنجا که قوانین جاری بیمه ای اگر چه بعضاً نیاز به اصلاح و بازنگری دارد لکن اساساً مغایرتی با دین مبین اسلام ندارد.

از آنجا که قواعد فقهی کمک شایانی به حل بسیاری از مسائل و معضلات بیمه ای در رسیدگی به پرونده های حقوقی بیمه ای می نماید در این قسمت به ذکر تعدادی از قواعد فقهی که کاربرد بیشتری نسبت به سایر قواعد فقهی دارند می پردازیم:

۱-۶. قاعده اتلاف و تسبیب: (من اتلف مال الغير فهو له ضامن)

تعریف قاعده :

هرگاه کسی شخصا، یعنی بدون واسطه، یا به وسیله ای و با واسطه، مال دیگری را تلف کند، تلف کننده مال در برابر صاحب آن ضامن و مسئول است. مثلا هرگاه کسی شخصا مزرعه دیگری را آتش بزند ضامن است و این اتلاف بالمباشره است، ولی اگر مثلا برای تفریح به مزرعه ای رفته و برای طبخ غذا آتشی بیفروزد و باد آن آتش را به مزرعه مجاور برساند و سبب آتش سوزی در آن مزرعه شود او ضامن است و این اتلاف بالتسبیب است.

۱-۱-۶. عناصر مهم تعریف قاعده اتلاف: (تلف، مال، ضمان، شخصا یا با واسطه)

تلف: به معنای نابود کردن و از بین بردن و از مالیت انداختن است. مثل اینکه شخصی خودروی دیگری را آتش بزند. یا اینکه شخصی منافع مال دیگری را تلف کند مثلا نگذارد مالک مغازه اش را اجاره دهد. تلف اول را می توان تلف حکمی بر شمرد و تلف مورد دوم را تلف عرفی هرچند به قاعده لاضرر هم در اینجا می شود استناد کرد و تفصیل آن خواهد آمد.

مال: هر چیزی که برای رفع نیازمندی انسان به کار می رود مانند خوراک، پوشاک. مرحوم دکتر کاتوزیان قید قابل اختصاص یافتن را از تعریف مال خارج دانسته تا مثلا هوا را که مورد نیاز انسان است از تعریف خارج سازد. (کاتوزیان، ۱۳۵۱، ص ۱۰۶)

ضمان: یعنی وجود اعتبار چیزی که از بین رفته بر عهده تلف کننده آن است و او موظف و مسئول است که بدل آن را به صاحبش بدهد اعم از اینکه مثلی باشد یا قیمی که این ضمان را ضمان واقعی گویند در برابر ضمان جعلی، ضمان قراردادی یا معاوضی.

شخصا یا با واسطه: شخصا یعنی اینکه میان عامل و عمل واسطه ای وجود نداشته باشد مثل آتش زدن مزرعه توسط شخص در حالی که تسبیب یعنی ایجاد وسیله و به تعبیری میان عامل و عمل واسطه یا واسطه هایی وجود دارد. مثل مثال دوم که باد سبب گسترش آتش به مزرعه مجاور و آتش سوزی آن شده بود. نکته ای که لازم به ذکر است اینکه سبب در اینجا با تعریف سبب در اصول فقه زیاد مطابقت ندارد که جای بحث آن در این پژوهش نمی باشد.

۶-۲-۱. دلایل حجیت قاعده اتلاف :

فقهاء (بجنوردی، ۱۹۶۹، ج ۱، ص ۲۶۷) برای اثبات حجیت این قاعده به دلایل زیر استناد نموده اند:

(۱) اجماع؛ این قاعده مورد اتفاق همه مذاهب اسلامی است.

(۲) آیه قرآن؛ شیخ طوسی در کتاب مبسوط و ابن ادریس در کتاب سرائر برای اثبات این قاعده به آیه ۱۹۴ سوره

بقره (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم) استناد نموده اند. (محمدی ۱۳۸۷، ص ۲۷)

۳) همچنین برای اثبات این قاعده ، فقهاء به روایات زیر استناد نموده اند :

الف) خبر نبوی (ص): حرمة مال المسلم كحرمة دمه. یعنی مال مسلمان مانند جانش محترم است.

ب) حدیثی از امیر المومنین (ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: حرمة اموالکم علیکم و حرمة دمائکم

كحرمة یومکم هذا ، فی شهرکم هذا ، فی بلدکم هذا ... یعنی احترام اموال مسلمانان بر شما و احترام جان آنان

بر شما مثل احترام این روز مقدس در این ماه مقدس و در این شهر مقدس است. توضیح اینکه پیامبر اکرم

(ص) این حدیث را در سفر حجه الوداع روز هشتم ذی الحجه در صحرای منی فرمودند.

۴) دلیل عقلی؛ عقل حکم می کند بر اینکه دین اسلام که مالکیت اشخاص را محترم می شمارد، حتما اتلاف

مال اشخاص را ممنوع بداند و جبران آن را لازم شمارد.

سخن پیرامون قاعده اتلاف و تسبیب که از قواعد مهم فقهی است بسیار است از قبیل: اقسام اتلاف و تسبیب ،

مقایسه اتلاف بالمباشره و بالتسبیب ، اجتماع سبب و مباشر ، اجتماع اسباب، اجتماع مباشرها و ... که

پژوهشگران ارجمند را برای کسب آگاهی بیشتر در این خصوص به مطالعه کتب و منابع موجود در این زمینه

توصیه می نمایم.

۶-۳-۱. قاعده اتلاف و تسبیب در حقوق بیمه :

پیش از این به تعریف عقد بیمه و تعریف قانونی آن پرداخته شد. در اینجا لازم است به برخی موارد که در

قوانین بیمه بدان پرداخته شده است و می توان اساس آن را این قاعده مهم دانست اشاراتی داشته باشیم. از

آنجا که در حقوق بیمه ، مسئولیت بیمه گر فرع بر مسئولیت بیمه گذار است فلذا می باید مسئولیت مقصر حادثه

ابتدا احراز گردیده تا سپس شرکت بیمه گر به جبران خسارت وارده که مقصر(بیمه گذار) سبب اتلاف آن شده است، بپردازد.

- ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ :

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه ، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد.

- ماده ۱۸ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ :

مسئولیت بیمه گر عبارت است از تفاوت قیمت مال بیمه شده بلافاصله قبل از وقوع حادثه با قیمت باقیمانده آن بلافاصله بعد از حادثه.

- ماده ۲ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

کلیه دارندگان وسایل نقلیه موضوع این قانون اعم از اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسایل نقلیه خود را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مذکور به اشخاص ثالث وارد می شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (۸) این قانون نزد شرکت بیمه ای که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی داشته باشد، بیمه کنند.

- تبصره ۲ ماده ۱ قانون مذکور :

مسئولیت دارنده وسیله نقلیه در تحصیل بیمه نامه موضوع این قانون مانع از مسئولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی باشد. در هر حال خسارت وارد شده، از محل بیمه نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می گردد.

همانگونه که در مواد مار الذکر نیز آمده، فلسفه وضع قوانین بیمه، جبران خسارات وارده اعم از بدنی یا مالی به شخص زیان دیده یا زیان دیدگان است که سبب آن بیمه گذار بوده است حال یا بالمباشره مثل مسئولیت مدنی پزشک که در حین عمل جراحی شخصا سبب قصور شده و باعث ورود آسیب به زیان دیده گردد یا با واسطه مثل راننده مقصر حادثه که در حادثه رانندگی و به وسیله خودرویی که رانندگی آن را بر عهده دارد سبب ورود خسارت گردد. در همه این موارد رد پایی از قاعده فقهی اتلاف و تسبیب به چشم می خورد.

اگر چه با تدقیق بیشتر در متون قوانین بیمه می توان موارد دیگری از قاعده فقهی اتلاف و تسبیب را در آن پیدا نمود لکن به جهت بررسی سایر قواعد فقهی به همین مقدار بسنده می کنیم.

۲-۶. قاعده اقدام

قاعده مهم دیگری که طبق نظر برخی از فقهاء همچون میرعبدالفتاح مراغه ای یکی از مسقطات ضمان می باشد قاعده اقدام است.

۱-۲-۶. تعریف قاعده اقدام :

همانگونه که از نامش پیداست، این است که کسی با علم و قصد و رضا، ضرر یا ضمانی را بپذیرد. مانند اینکه با علم و قصد مالی را به بهای بیشتر بخرد.

۶-۲-۲. دلایل حجیت قاعده اقدام :

(۱) روایت؛ که در این خصوص به چند روایت استناد شده است از جمله :

(۱-۱) حدیث پیامبر اکرم (ص) که فرموده است : همچنان که جان مسلمان محترم است مال او هم محترم است. سبب ضمان احترام، مال است. حال هر گاه کسی به دلخواه خود مال خود را در معرض تلف قرار دهد نمی توان دیگری را مسئول و ضامن دانست.

(۱-۲) مفاد روایت : مال کسی بر دیگری حلال نیست مگر با رضایت خاطر صاحب آن. زیرا وقتی صاحب مال به میل و رضای خود و بدون عوض مال خود را در اختیار دیگری قرار دهد نمی تواند از او مسئولیت و ضمانی انتظار داشته باشد.

(۱-۳) روایات فراوانی که دلالت بر جواز اباحه ، عطیه و تبرع نسبت به اموال و کارهای خود، با در نظر گرفتن اینکه میان این موارد و موارد دیگر اقدام تفاوتی نیست، وجود دارد .

(۱-۴) دستور پیامبر اکرم (ص) به در آوردن نخل سمره با اقدام سمره به زیان خود

(۲) اجماع؛ که از بررسی فروع فراوان فقهی به دست می آید. (مراغه ای ، ۱۴۱۵ ، ص ۳۳۴)

۶-۲-۳. موارد قاعده اقدام :

مورد اقدام ممکن است اقدام به ضمان خود باشد مانند اقدام به معامله فاسد و ممکن است اقدام به عدم ضمان غیر باشد ، مانند اذن در اتلاف مال خود به دیگری مثل اینکه مالی را به دیگری بدهد که در دریا بیندازد.

۶-۲-۴. قاعده اقدام در حقوق ایران و حقوق بیمه :

موارد فراوانی می توان در قوانین یافت که مبتنی بر قاعده اقدام هستند از جمله :

- ماده ۲۶۳ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۰۷ :

هر گاه مالک، معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.

- ماده ۳۹۱ قانون مذکور :

در صورت مستحق للغير در آمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.

- ماده ۴۱۸ قانون مذکور :

اگر بایع از عیوب مبیع تبری کرده باشد به اینکه عهده عیوب را از خود سلب کرده یا با تمام عیوب بفروشد مشتری در صورت ظهور عیب، حق رجوع به بایع نخواهد داشت و اگر بایع از عیب خاصی تبری کرده باشد فقط نسبت به همان عیب حق مراجعه ندارد.

- ماده ۱۰ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ :

در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسؤول خسارت خواهد بود.

- ماده ۱۲ قانون مذکور :

هرگاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خود داری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد عقد بیمه باطل خواهد بود ...

- ماده ۱۵ قانون مذکور:

... اولین زمان امکان و منتهی در ظرف پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه بیمه گر را مطلع سازد و الا بیمه گر مسئول نخواهد بود ...

- ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵:

در موارد زیر بیمه گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می تواند به قائم مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی برای بازیافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند:

الف - اثبات عمد مسبب حادثه در ایجاد حادثه نزد مراجع قضایی

ب - رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روان گردان موثر در وقوع حادثه که به تأیید نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی یا دادگاه رسیده باشد.

پ - در صورتی که راننده مسبب، فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد.

ت - در صورتی که راننده مسبب، وسیله نقلیه را سرقت کرده یا از مسروقه بودن آن، آگاه باشد...

- ماده ۳۳ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ :

چنانچه بیمه گر یا صندوق به رغم کامل بودن مدارک، تکلیف مقرر در ماده (۳۱) این قانون را انجام ندهند و در پرداخت خسارت تأخیر کنند و یا بیمه گر تکلیف مقرر در ماده (۳۲) این قانون را انجام ندهد، به پرداخت جریمه ای معادل نیم در هزار به ازای هر روز تأخیر در حق زیان دیده یا قائم مقام وی محکوم می شود.

در تمامی موارد مذکور که البته تنها به بخشی از آن اشاره شده است، قاعده اقدام تأثیر بسزایی داشته است.

۳-۶. قاعده حمل فعل مسلم بر صحت :

۱-۳-۶. تعریف قاعده :

یعنی اینکه کاری را که مسلمانی انجام می دهد دیگران آن را صحیح بدانند. مثلاً وقتی شخصی نماز می خواند نماز او حمل بر نماز صحیح شود. این قاعده شامل حمل قول مسلم بر صحت نیز می گردد. یعنی وقتی مسلمانی خبری را می دهد دیگران آن را راست پندارند مگر اینکه خلافش ثابت شود. همچنین این قاعده شباهت زیادی به قاعده صحت که آن هم از قواعد مهم فقهی است دارد.

۲-۳-۶. دلایل حجیت قاعده حمل فعل و قول مسلم بر صحت :

مرحوم نراقی در کتاب عواید الایام پس از نقل ادله از اخبار، آیات، اجماع، استقراء و تجزیه و تحلیل مفاد آنها به این نتیجه می رسد و می فرماید: از آنچه گفتیم معلوم شد که دلیلی نداریم بر وجوب حمل فعل و قول

مسلمان حتی مسلمان ثقه بر درستی و راستی ، به طور کلی بدان گونه که این امر اصلی کلی باشد که تخلف آن جزء با دلیل خاص ممکن نباشد . البته در موارد جزئی این اصل مسلم است. برخی از فقهای معاصر از جمله آیت اله مکارم شیرازی در کتاب قواعد فقه خود از این عقیده مرحوم نراقی اظهار شگفتی نموده که به دلیل پرهیز از اطاله کلام در این خصوص پژوهشگران عزیز را به کاوش در این زمینه و بررسی در کتب مزبور دلالت می دهیم.

۶-۳-۳. قاعده حمل فعل و قول مسلم بر صحت در حقوق بیمه :

این قاعده در حقوق بیمه ای تحت عنوان اصل (حد اعلائی) حسن نیت بیان شده است که از اصول مهم حاکم بر قراردادهای بیمه ای است. اگر چه در متن قوانین صراحتاً این عنوان نیامده لکن در جاهای مختلفی از قوانین و مقررات بیمه ای و شرایط عمومی بیمه نامه ها به این اصل مهم بیمه ای تأکید شده است. به موجب این اصل ، تمامی قراردادها و روابط باید مبتنی بر حسن نیت باشد ولی در بیمه ، حسن نیت از عوامل اساسی تنظیم رابطه بین تعهدات طرفین است.

- اصل حسن نیت در مورد بیمه گذار :

بیمه گذار موظف است که در هنگام عقد قرارداد بیمه و در جریان آن کلیه اطلاعاتی را که در خصوص مورد بیمه دارد با کمال درستی و صداقت اظهار کند.

- اصل حسن نیت در مورد بیمه گر :

بیمه گر موظف است که در سند بیمه (بیمه نامه) هر آنچه نشان دهنده تعهدات اوست، چه از لحاظ کیفی و چه از نظر کمی به وضوح ذکر کند و مواردی را که به نحوی از انحاء در صورت بروز حادثه می تواند موثر در پرداخت خسارت باشد در بیمه نامه قید نماید.

همانگونه که بیان شد اگر چه این اصل مهم صراحتا با این عنوان در متن قوانین بیمه ای قید نشده لکن مفهوما در بسیاری از موارد مانند ماده اول قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ بیان شده است و همچنین در شرایط عمومی بیمه نامه ها که به عنوان مثال در شرایط عمومی مسؤولیت مدنی کارفرما در قبال کارکنان این ماده معمولا درج می شود که: بیمه گذار مکلف است با رعایت دقت و صداقت در پاسخ به پرسش های بیمه گر همه اطلاعات راجع به موضوع بیمه را در اختیار وی قرار دهد.

۶-۴. قاعده لزوم عقد یا اصاله اللزوم: (اوفوا بالعقود)

۶-۴-۱. تعریف قاعده :

لزوم و لازم در لغت و عرف به معنی بایستن و باید می باشد. فقهاء نیز چنین تعریف نموده اند: وضع و بنای عرفی و شرعی بیع بر این است که مالک پس از منعقد کردن آن مانند بیگانه می شود و دیگر حق دخالت در آن را ندارد. مگر اینکه حق دخالت خود را با خیار حفظ کرده باشد. (شیخ انصاری ، ۱۴۰۹ ، ص ۲۱۴). قانون مدنی نیز در ماده ۱۸۵ در تعریف عقد لازم بیان می کند: عقد لازم آن است که هیچ یک از طرفین حق فسخ آن را نداشته باشند مگر در موارد معینه. که در برابر عقد جایز است که تعریف آن در ماده بعد ذکر شده است. نکته مهم در این خصوص اینکه این قاعده یک حکم تأسیسی شرعی نیست و دو طرف که معامله ای را انشاء

می کنند و اختیار فسخ قرار نمی دهند قصد باطنی آنها استمرار تأثیر انشاء بوده حتی نسبت به زمانی که یکی از آنها بدون حق فسخ اعلام فسخ نماید. (سیستانی ، ۱۳۶۷ ، ص ۲۲۷)

۶-۴-۲. موارد کاربرد قاعده لزوم :

فقهاء می گویند قاعده لزوم در عقود عهدی به کار برده می شود نه عقود اذنی (میرزای نائینی، ۱۳۳۱، ص ۸۱) آن هم در عقد عهدی منجز نه معلق.

عقد عهدی: آن است که دارای تعهد و الزام باشد چنانکه در بیع کسی تعهد کند که خانه اش را به دیگری بفروشد.

عقد اذنی: آن است که به موجب اذنی به وجود آمده باشد تا اذن باقی است عقد باقی است و با از بین رفتن اذن، عقد نیز از بین می رود مانند امانت. (همان)

از موارد دیگر که قاعده لزوم در آن بکار می رود ، ایقاعات است.

۶-۴-۳. دلایل حجیت قاعده لزوم :

(۱) بنای عقلاء

در اینجا مناسب است نظر مرحوم بجنوردی که به این استدلال برای قاعده لزوم بسیار اهمیت داده اشاره کنیم. ایشان در این خصوص می فرماید : روش خردمندان در عقدها و عهدهایشان این است که وفای به عهد و عقد را لازم می شمارند و پایبندی به آن را سیره خود می دانند، دست کشیدن از التزام به عقد و عهد را نقض عهد

شمرده و چنین کسی را سرزنش می کنند. شارع هم آنها را از این روش نه تنها منع نکرده بلکه چنان که خواهیم گفت آنها را ملزم به این سیره و روش دانسته است. (بجنوردی، ۱۹۶۹، ج ۱، ص ۱۶۶)

(۲) آیات قرآنی :

(۱-۲) آیه شریفه: یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود . یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید به قراردادهای خود پایدار بمانید. (مائده/ ۱) البته در استناد به این آیه برای اثبات این قاعده بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد که جای بحث آن در این مقاله نمی باشد.

(۲-۲) آیه شریفه لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاراً عن تراض منکم. یعنی در اموال دیگران تصرف نکنید جز اینکه با معامله و با رضایت طرفین باشد. (نساء/ ۲۹) بر اساس این آیه اولاً هر گونه تصرف در اموال دیگران ممنوع شده است ثانیاً یک مورد از آن عموم استثناء شده و آن این است که معامله ای با رضایت طرفین انجام گیرد.

(۳) روایات :

(۱-۳) روایت نبوی(ص): لا یحل مال امرء مسلم الا عن طیب نفسه. یعنی تصرف در مال هیچ مسلمانی حلال نیست مگر به دلخواه و خشنودی او. (شیخ انصاری، ۱۴۰۹، ص ۲۱۵)

(۲-۳) روایت نبوی (ص): الناس مسلطون علی اموالهم . یعنی مردم بر دارایی های خود تسلط دارند. (همان) با توجه به مفاد روایت به نظر می رسد این روایت حکمی است امضایی که پیش از اسلام در میان مردم وجود داشته و پیامبر اکرم (ص) هم آن را امضا و تأیید فرموده است.

۳-۳) روایت مستفیض البیعان بالخیار ما لم یفترقا و اذا افترقا وجب البیع انه لا خیار لهما بعد الرضاء. یعنی خریدار و فروشنده تا هنگامی که در مجلس عقد هستند حق دارند عقد را به هم بزنند ولی پس از خارج شدن از مجلس عقد، بیع لازم می شود. پس رضایت آن دو نسبت به عقد دیگری خیاری وجود ندارد.

۴) استصحاب :

از جمله دلایل دیگر برای اثبات حجیت قاعده لزوم که می توان بدان استناد کرد اصل استصحاب است که از اصول عملیه در اصول فقه است. البته این در جایی است که حجیت این قاعده را نتوانیم با دلایل پیشین اثبات کنیم. در این خصوص فقهای بزرگوار همچون شیخ انصاری (ره) در بحث خیارات کتاب مکاسب به این اصل مهم جهت اثبات قاعده لزوم پرداخته اند.

۶-۴-۴. قاعده لزوم در حقوق بیمه :

- ماده ۸ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶:

در صورتی که مالی بیمه شده باشد در مدتی که بیمه باقی است نمی توان همان مال را به نفع همان شخص و از همان خطر مجددا بیمه نمود.

- ماده ۱۰ همان قانون :

در صورتی که مالی به کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد، بیمه گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسؤول خسارت خواهد بود.

توضیح اینکه این ماده در عرف صنعت بیمه به قاعده نسبی مشهور است و از اصول تخلف ناپذیر و قابل اعمال در موارد مربوطه است.

- ماده ۱۵ همان قانون :

بیمه گذار باید برای جلوگیری از خسارت، مراقبتی را که عادتاً هرکس از مال خود می نماید نسبت به موضوع بیمه نیز بنماید. موضوع مهم دیگری که در بخش دیگر این ماده تأکید شده است اعلام حادثه توسط بیمه گذار به شرکت بیمه گر ظرف مهلت پنج روز از تاریخ اطلاع خود از وقوع حادثه است که عمدتاً بیمه گذاران از این ماده بی اطلاع بوده و در عمل مشکلات فراوانی در این رابطه ایجاد شده است.

در بیشتر مواد قانون بیمه اجباری، خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ از جمله مواد ۲، ۶، ۸ و ۶... نیز این قاعده فقهی به چشم می خورد که به دلیل پرهیز از اطاله کلام صرفاً به یک مورد اشاره می نمایم.

- ماده ۶ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ :

از تاریخ انتقال مالکیت وسیله نقلیه، کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به انتقال گیرنده منتقل می شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه گذار محسوب می شود.

۵-۶. قاعده العقود تابعه للقصود :

۶-۵-۱. تعریف قاعده :

مفهوم این قاعده روشن است، عقد تابع قصد است. در این خصوص نکاتی لازم به یادآوری است که ذیلا مورد بررسی قرار می گیرد:

نکته اول: در کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) ایشان قصد را به صورت علمی تعریف نکرده ولی مواردی از عقد را که به علت فقدان قصد باطل یا ناقص می داند بر شمرده است. از جمله: اگر لفظ را قصد نکرده باشد عقد به وجود نمی آید مانند اینکه به جای زوجت بگوید جوزت. یا معنا را قصد نکرده باشند مانند معامله صوری و مواردی از این قبیل.

نکته دوم: در اینجا منظور از قصد، قصد ابرازی است نه قصد درونی.

نکته سوم: علاوه بر قصد و توجه باید به لفظ نیز اهمیت داد.

نکته چهارم: معنای لفظی که بکار برده می شود نیز مورد توجه و قصد باشد.

نکته پنجم: معنایی را که از لفظ قصد کرده، باید با عقدی که می خواسته به وجود بیاورد مغایر و مخالف نباشد.

به تعبیر برخی، معنای این قاعده این است که عقد وجودا و عدما تابع قصد است. (مصطفوی، ۱۴۱۲، ص ۱۷۹) خلاصه اینکه، عقد با قصد بوجود می آید و بدون قصد به وجود نخواهد آمد.

۶-۵-۲. شمول قاعده نسبت به ایقاعات :

سؤال این است که آیا این قاعده که مقید به عقود شده، شامل ایقاعات نیز می شود یا خیر؟ با بررسی کتب قواعد فقهی به این نتیجه می رسیم که این قاعده شامل ایقاعات نیز می شود. از جمله مرحوم بجنوردی بیان نموده: بطلان آنچه قصد نشده... از عقود و ایقاعات... مانند طلاق. (بجنوردی، ۱۹۶۹، ج ۱، ص ۱۱۹) و نیز

صاحب عناوین این گونه نوشته : ... این قاعده ای است کلی که در عقود و ایقاعات جاری است. (مراغه ای، ۱۴۱۵، ص ۱۹۰) هرچند برخی حقوقدانان معاصر از جمله دکتر امامی بر شمول این قاعده بر ایقاعات اشکالاتی وارد نموده لذا بررسی بیشتر در این زمینه را به پژوهشگران ارجمند واگذار می نمایم.

۶-۵-۳. دلایل حجیت قاعده :

(۱) حکم عقل:

بهترین استدلال برای اینکه بگوییم عقد تابع قصد است، حکم عقلی و وجدانی است. و این امری است بدیهی که نیاز به استدلال ندارد.

(۲) اجماع:

صاحب عناوین می فرماید : جای شک نیست که فقهاء اجماع و اتفاق نظر دارند بر اینکه گفتار یا رفتار بدون قصد نمی تواند منشأ اثر شود. (مراغه ای، ۱۴۱۵، ص ۱۹۰) لکن مرحوم بجنوردی تحقق اجماع اصولی در این مسأله عقلی را مورد تردید قرار داده است. (بجنوردی، ۱۹۶۹، ص ۱۲۲)

(۳) اصل فساد و بیرون رفتن از این مشکل:

فقهاء اتفاق نظر دارند که اصل اولی در هر عمل فساد است مگر اینکه خلاف آن در شرع ثابت شود. هر جا قصد نباشد تحت این اصل باقی خواهد بود. البته برای اثبات حجیت این قاعده به روایاتی نیز استناد شده از جمله : انما الاعمال بالنیات و لا عمل بالنیة و ... لکن فقهاء متأخر استناد به این ادله را بی ارزش دانسته اند.

(محمدی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۵)

۶-۵-۴ قاعده العقود تابع للقصود در حقوق بیمه :

- ماده ۱ قانون بیمه مصوب سال ۱۳۱۶ :

بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می کند که در ازای پرداخت وجه یا جوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه، خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی بپردازد....

توضیح اینکه معمولاً بیمه گذاران پس از مراجعه به نمایندگی ها یا شرکت های بیمه جهت خرید بیمه نامه، اقدام به تکمیل فرم پیشنهاد نموده و در این فرم پیشنهاد، که بیان قصد طرف عقد می باشد خواسته خود را از شرکت بیمه مطرح می نمایند.

- ماده ۶ همان قانون :

هر کس بیمه می دهد، بیمه متعلق به خود اوست مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد مربوط به دیگری است....

- ماده ۲۵ همان قانون :

بیمه گذار حق دارد ذی نفع در سند بیمه عمر خود را تغییر دهد مگر اینکه آن را به دیگری انتقال داده و بیمه نامه را هم به منتقل الیه تسلیم کرده باشد.

- ماده ۲۶ همان قانون :

در تمام مدت اعتبار قرارداد بیمه عمر ، بیمه گذار حق دارد وجه معینه در بیمه نامه را به دیگری منتقل نماید. انتقال مزبور باید به امضای انتقال دهنده و بیمه گر برسد.

- ماده ۱ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب سال ۱۳۹۵ : در این ماده نیز که شامل بیان اصطلاحات موجود در این قانون است شمول این قاعده فقهی را می توان ملاحظه نمود.

نتیجه :

از آنچه به اختصار در این مقاله عنوان گردید نتایج زیر حاصل می شود :

(۱) قوانین و مقررات بیمه ای می باید بر اساس مبانی فقهی اسلامی نگارش و تنظیم شود.

(۲) از آنجا که در دین مبین اسلام و فقه در تمامی شئون زندگی بشریت از جمله مسائل مستحدثه همچون بیمه، برنامه وجود دارد، می باید با مراجعه به کتب فقهی معتبر و بررسی روایات وارده و تطبیق آن با مسائل نوظهور اقدام نمود که این وظیفه دانشجویان و طلاب علوم دینی است که مبانی فقهی امور بیمه ای را با تتبع و تدقی استخراج نمایند.

(۳) استفاده از قواعد فقهی در فهم بیشتر مسائل بیمه ای و حل و فصل اختلافات، کمک شایانی می نماید لذا امید آن می رود محققین و دانشمندان علوم دینی و حقوقدانان جهت کمک به سازمان ها و شرکت های بیمه ای و قوه قضاییه با خلوص نیت و وجدانه به یاری بشتابند.

منابع :

- قرآن کریم

- مکارم شیرازی ناصر، القواعد الفقهیه ، جلد اول ، قم ، اسلامیه ، ۱۳۷۲

- محمدی ابوالحسن، قواعد فقه، تهران، بنیاد حقوقی میزان ، ۱۳۸۷
- شهابی محمود ، قواعد فقه، تهران، مجد ، ۱۳۶۱
- موسوی بجنوردی سید محمد حسن، قواعد الفقهیه، جلد اول، نجف، ۱۹۶۹
- محقق قمی، قوانین الاصول ، تهران، چاپ عبدالرحیم، ۱۴۱۰
- کریمی آیت، کلیات بیمه ، تهران، پژوهشکده بیمه مرکزی، ۱۳۸۷
- مطهری مرتضی، بررسی فقهی مسأله بیمه، تهران، میقات، ۱۳۶۱
- کاتوزیان ناصر، کلیات حقوق، تهران، مجد ، ۱۳۵۱
- مراغه ای میرعبدالفتاح، العناوین، قم، چاپ سنگی، ۱۴۱۵
- نراقی ملا احمد، عوائد الایام، قم، اسلامیه، ۱۴۲۰
- شیخ انصاری، مکاسب، قم، اسلامیه، ۱۴۰۹
- سیستانی ، قاعده لاضرر، نجف، ۱۴۱۲
- میرزای نایینی، حاشیه، تهران، نشر آملی، ۱۳۳۱
- مصطفوی سیدمحمد کاظم، قواعد فقه، تهران، ۱۴۱۲
- مجموعه قوانین و مقررات بیمه ای، تهران ، نشرخرسندی، ۱۳۹۵